



روش بهره‌گیری از گزاره‌های منقول برای

پاسخگویی به شبهات با تکیه بر سیره امام صادق (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۵

البرز محقق گرفمی^۱، سیده صدیقه اسلامی زیدانلو^۲

چکیده

پاسخگویی به شبهات، نیازمند بهره‌گیری از منابع نقل‌محور و روش‌های عقلانی است. در این بین، رویکرد بهره‌گیری از مؤلفه‌های استوار بر گزاره‌های معتبر منقول برای فراهم آوردن ماده اولیه پاسخ‌ها بسیار راهگشا خواهد بود. از دیگر سو، امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) به دلیل رویارویی با حیرت‌زدگان معرفتی و نیز هم‌آوردی با گروه‌های فکری و سیاسی مختلف، مجموعه‌ای سترگ از پاسخ‌های روشمند به شبهات را به یادگار نهاده‌اند. امام صادق (علیه السلام) با شناخت ژرف مخاطب و شبهه، اولین گام پاسخگویی را بر کشف مغالطات موجود در دستگاه شبهه‌سازی استوار کرده و در گام بعدی با بهره‌گیری از روش‌های عقلانی و برهانی، پاسخ‌های خویش را بر مقدمات و گزاره‌های معتبر نقلی یا گزاره‌های بدیهی و منطبق با حکم عقل مستند می‌ساختند. این جستار به روش تحلیلی-اکتشافی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی در پی یافتن گونه‌های منابع نقل‌محوری است که امام صادق (علیه السلام) از آن‌ها برای پاسخگویی به شبهات بهره برده‌اند. بهره‌گیری از انواع دلالت و تفاسیر صحیح برآمده از قرآن، گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان پیشین، سیره نوین و تاریخ مقبول، مهم‌ترین منابع نقلی امام ششم (علیه السلام) در پاسخگویی به شبهات محسوب می‌شوند. تبیین استوار و عقلانی آموزه‌های دینی با بهره‌گیری از تبیین مفهومی مفاهیم الهیاتی نیز یکی از روش‌های مستند به شناخت‌های برآمده از منقولات در فرایند پاسخ به شبهات ارزیابی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام صادق (علیه السلام)، شبهه، قرآن، حدیث، تاریخ.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): mohaghegh.gr@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای فقه جزایی دانشگاه علوم اسلامی رضوی: seeslami34@gmail.com

۱. مقدمه

مطالعه سیره و اخبار رسیده از اهل بیت (علیهم‌السلام) با رویکرد کشف روش‌ها، رفتار و آداب فردی و اجتماعی در طراحی نظام تمدنی اسلامی بسیار راهگشاست. یکی از حلقه‌های زنجیره تمدن اسلامی، حوزه تبلیغ و ارتباط مؤثر مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. همچنین یکی از عرصه‌ها در این حوزه، پاسخگویی به شبهات حیرت‌زدگان و معارضان است. کشف الگوی روشمند پاسخگویی به شبهات از سیره معصومین (علیهم‌السلام) در دو ساحت بایسته‌های رفتاری و راهبردهای علمی ضروری می‌نماید. روش‌شناسی اهل بیت (علیهم‌السلام) در پاسخگویی به شبهات با محوریت راهبردهای علمی، خود به دو بخش راهکارهای مبتنی بر عقل نظری و رویکردهای استوار بر گزاره‌های نقلی افراز می‌شود.

بهره‌گیری از سیره امام صادق (علیه‌السلام) به سبب مواجهه با جریان‌های فکری نوپیدا و حلقه‌های نوین معرفت‌شناسی و نیز گستره پهن‌آور سخنان رسیده از ایشان برای کشف روش‌های اثربخش پاسخ به شبهات بسیار سودمند خواهد بود. از این رو، نوشتار حاضر به روش تحلیلی اکتشافی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی یافتن روش‌هایی در روند پاسخگویی به شبهاتی است که بر گزاره‌های منقول استوار هستند. نوآوری جستار حاضر را در سه بخش می‌توان دانست: توجه به نقش استقلالی گزاره‌های نقل محور در قامت یکی از مواد اولیه استدلال در روند پاسخگویی به شبهات، توجه به تفاوت در روش استناد به این گزاره‌ها و دسته‌بندی آن‌ها و نیز کشف هر یک از این موارد از مجموعه میراث روایی منقول از امام صادق (علیه‌السلام).

۱-۱. پیشینه پژوهش

نگاشته‌های گوناگونی درباره بایسته‌های اخلاقی و روش‌های عمومی مناظره، جدل و گفت‌وگو سامان یافته است. کتاب‌هایی مانند «الحوار، آداب و ضوابطه فی ضوء الکتاب و السنه» به قلم زمزمی (۱۴۱۴ق)، «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به کوشش کامل (بی‌تا) و «الحوار، آداب و اخلاق و ثقافة الأُمَّة» نگاشته عبدلی (بی‌تا)، فصلی مستقل درباره آداب

علمی پاسخگویی به شبهات گشوده‌اند؛ اما تنها به مواردی چون داشتن دانش کافی، شروع از نقاط مشترک، استقامت در اندیشه و بیان آشکار پاسخ پرداخته‌اند (برای نمونه ن.ک: زمزمی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۷-۴۱۱). نیک روشن است این موارد در رده روش‌شناسی دانش محور پاسخگویی به شبهات نیستند، بلکه تنها آداب این امر شمرده می‌شوند.

مقالات «روش مناظره و احتجاجات امامان شیعه» به قلم شهابی (۱۳۴۷) و «روش مناظره علمی در سیره امامان معصوم» با تلاش هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری (۱۳۸۷) نیز تنها در گزارش مربوط به مناظرات برخی امامان قابل ارزیابی هستند. نوشتارهای مرتبط با روش‌شناسی امام ششم در پاسخ به شبهات مانند «اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (علیه السلام)» از هوشنگی و شکرانی (۱۳۹۱) و نیز «دفاع امام صادق (علیه السلام) از قرآن در برابر شبهات زنادقه» به قلم شعبانپور (۱۳۹۰) نیز به‌طور خاص به گزارشی از پاسخ‌های امام پرداخته‌اند. مقاله اخیر نیز با برشمردن گونه‌هایی چون مخاطب‌سنجی و استفاده از زبان چند بعدی بیشتر ناظر به جنبه‌های رفتاری پاسخگویی است. مقاله «روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (علیه السلام)» به قلم محقق گرمی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پی یافتن روش‌هایی از پاسخگویی به شبهات است که بر مؤلفه‌های عقلی استوار است. محور اصلی این پژوهش‌ها، بررسی آداب مناظره و گفت‌وگوی علمی در سیره معصومان (علیهم السلام) و یافتن روش‌های خردگرا در پاسخ به شبهات است.

با این همه، هیچ دسته‌بندی آشکاری برای فرایند پاسخگویی به شبهات یا دسته‌بندی منطقی ناظر به تبیین روش‌های گوناگون عقل‌گرا یا نقل‌محور یافت نمی‌شود. همسان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی یکی از دلایل احتمالی، نبود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. از این رو، پژوهش حاضر با درک بایسته‌های پاسخگویی به شبهات در دو رده بایسته‌های رفتاری و روش‌های علمی در پی یافتن یکی از رویکردهای روش اخیر، یعنی بهره‌گیری از گزاره‌های نقلی برای فراهم آوردن پاسخ‌های اثر بخش بوده و از این نظر از سویی در حوزه طراحی اجزای نظام ارتباطی تمدن اسلامی و از سوی دیگر در حوزه روش‌شناسی‌های نوین علم کلام می‌گنجد. در خور توجه است که مواد

اولیه پاسخ‌های مبتنی بر روش علمی، به دو دسته گزاره‌های نقل‌محور و خردمحور قابل‌افراز هستند. این پژوهش، در پی تبیین روش علمی پاسخ به شبهات با بهره‌گیری از گزاره‌های منقول است.

۲. انگاره‌ها و مفاهیم کلی

بایسته می‌نماید که ابتدا مفاهیم بنیادین پربسامد استفاده‌شده در این نوشتار یعنی شبهه و روش‌های پاسخگویی به شبهات تعریف شود.

۲-۱. شبهه در لغت و اصطلاح

شبهه بر وزن فُعله برآمده از ماده «ش ب ه» در معانی ابهام، آمیختگی درست و نادرست، التباس و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۴۳). این مفاهیم، نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چیستی و چگونگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۴۳). بر این اساس، هر گاه پدیده‌ای ناستوار و ناروا، در قامت و پوشش پدیده‌ای بهره‌مند از حق رخ نماید، دستگاه شبهه‌سازی محقق می‌شود.

هر دستگاه فکری، در بردارنده‌ی دسته‌ای از گزاره‌های صحیح، فرایند استدلال و نتیجه‌گیری است.

استدلال منطقی + دسته‌ای از گزاره‌های صحیح = دستگاه فکری صحیح

دستگاه شبهه‌سازی حداقل در یکی از این مؤلفه‌ها دچار اختلال است. ارکان تشخیص شبهه نیز عبارت است از: الف. حقیقت؛ ب. مشابه حقیقت؛ ج. وجه مشابهت؛ د. میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب خطا می‌شود. برای نمونه، ویل دورانت برای اثبات فرضیه این‌همانی اقتباس آموزه‌های اسلامی از احکام شریع به همانندی ظاهری عبارت «شالوم علیکم» یهودی با «سلام علیکم» مسلمین استناد می‌کند (ن.ک: دورانت، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۳۶-۲۴۰). در این باره، موارد ذیل را می‌توان با ارکان پیش‌گفته تطبیق کرد.

حقیقت: متن آموزه‌های اسلام درباره عبارت تحیت مسلمانان؛ مشابه حقیقت: عبارت یهودی «شالوم علیکم»؛ وجه مشابهت: استفاده از عبارت هنگام تحیت؛ میزان مشابهت: مشابهت آوایی و وزنی دو عبارت پیش گفته.

در علم کلام، شبهه را چنین تعریف کرده‌اند: «ارائه دلایل فاسد و توجیهات نادرست به‌منظور حق جلوه دادن باطل و برعکس» (برنجکار، ۱۳۹۸: ۱۸۰). بر این اساس، هر انگاره استدلال گونه یا رفتار به ظاهر موجهی که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کج‌تابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شبهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست؛ بلکه شبهه استدلالی است که منطقی می‌نماید یا رفتاری است که در ظاهر قابل قبول است و به شکل پیامی، از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.

۲-۲. روش‌های پاسخگویی به شبهات در سیره اهل بیت

سیره رسول خدا ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش‌شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، سعی در دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت، کوشش در رفع این شبهات جلوه‌گر است. با دقت در سخنان و سیره معصومان (علیهم‌السلام) می‌توان دریافت که ایشان در گام اول مغالطات موجود در شبهات را پیدا کرده و در مرحله بعد با بهره‌گیری از روشی استدلالی، فرایند پاسخگویی به شبهات را در سازوکاری برهانی سامان می‌دادند. توجه به بایسته‌های رفتاری پاسخگویی نیز در سیره ایشان نقش مهمی در اقناع مخاطب داشت. در رویکردهای علمی پاسخگویی نیز، بنای پاسخ‌ها بر گزاره‌های منقول معتبر یا مقدمات یقینی عقلی استوار می‌شود.

براهین استوار بر عقل، سامانه‌ای از تصورات و تصدیقات بدیهی آدمی هستند که در شناخت و ادراک وی، نقشی بنیادین دارند. در اصطلاح علم منطق، مفاهیمی که به

سبب بساطت و شناخته شده بودن، حصول آن‌ها متوقف بر کسب، نظر و تعریف حدی یا رسمی نباشد، بدیهی خوانده می‌شوند. این مفاهیم بی‌واسطه در ذهن قابل درک هستند. خرد همه آدمیان به صحت این مفاهیم گواهی می‌دهد و هیچ کسی در هیچ زمانی، در استواری و درستی آن‌ها تردید نمی‌کند. در علم منطق، واژگان ضروری، اولی و بدیهی مرادف با یکدیگر شمرده می‌شوند.

براهین استوار بر نقل نیز رویکردهایی هستند که ماده اولیه استدلال در آن‌ها، مجموعه‌ای از گزاره‌های مکتوب و شفاهی است. این برهان‌ها، اغلب در مقابل مخاطبان معتقد به کتاب‌های آسمانی و سنت پیامبران به کار می‌روند. مهم‌ترین گزاره‌های نقلی برای کاربست در روند استدلال، قرآن مجید و سنت رسول خداست. در پاره‌ای موارد نیز گزارش‌های تاریخی ماده اولیه استدلال را سامان می‌دهند. این گونه از گزاره‌ها به شرط بهره‌مندی از اعتبار و اطمینان کافی، در مقابل گروه‌های مختلف شبهه‌گران اثربخش خواهد بود.

افزون بر بهره‌گیری مستقیم امام ششم از این روش‌ها، گزارش‌های فراوانی از توصیه و راهنمای امام به شاگردان مکتب جعفری و ضرورت پیگیری جریان پاسخگویی به شبهات یافت می‌شود. برای نمونه، ایشان دانشوران آگاه شیعه را در دفاع از عقاید و پاسخگویی به شبهات به مرزدارانی تشبیه کردند که مانع از شبیخون فکری و معرفتی ابلیس و شیطان‌گرایان به شیعیان می‌شوند (حرعاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۶۰۲). همچنین ارشاد ناآگاهان، راهنمایی آن‌ها به معارف دینی و بازداشتن ایشان از انحرافات و شبهات را وظیفه آگاهان به معارف دینی دانسته (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۳۷۸) و در مقابل، مخاطبان را از جدال با دانشمندان آگاه و همکاری با نادانان پرهیز دادند (همان، ج ۹: ۵۶۲).

۳. گونه‌شناسی مؤلفه‌های نقلی در پاسخ به شبهات

بخشی از مواد استدلال در دستگاه پاسخگویی به شبهات از گزاره‌های معتبر منقول فراهم می‌آید. گاهی از نص این گزاره‌ها بهره برده می‌شود و گاهی از تبیین، توصیف و شرح

فرازهای دشوارفهم آن‌ها. مهم‌ترین مواد نقل‌محور پاسخ‌های امام صادق (علیه السلام) بر آیات کلام وحی، سخنان معصومان (علیهم السلام) سیره نبوی (صلی الله علیه و آله) و تاریخ معتبر استوار است. بهره‌گیری از هر یک از این گونه‌ها بنا بر اقتضای شبهات، در فرایندی روش‌مند سامان می‌یابد.

۳-۱. استناد به قرآن

قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت نمود آشکاری یافته است. مجموعه روایات تفسیری امام ششم (علیه السلام) در کنار اخلاق‌مداری قرآنی در دو عرصه پندارها و کنش‌ها، گویای بهره‌وری تام از این منبع ارزشمند الهی است. همچنین ایشان یکی از روش‌های پاسخگویی به شبهات را احتجاج به وسیله مفاهیم قرآنی می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۲۸). مراد از بهره‌گیری از قرآن برای پاسخگویی به شبهات، استفاده از انواع دلالت‌های قرآنی، تبیین صحیح مفردات، بیان شأن نزول دقیق، تفسیر استوار متشابهات، بیان نمونه‌های خارجی معارف قرآنی، بیان بطون و استناد پاسخ‌ها به مفاهیم قرآنی است.

افزون بر این، امام صادق (علیه السلام) به جنبه‌های اعجاز‌آمیز قرآن برای زدودن شبهات توجه داشتند. برای نمونه، بر اساس گزارشی، سکین نخعی در بهره‌گیری از طعام و لباس نیکو و نیز مباشرت با زنان، آنچنان دچار شبهه شده بود که از آن‌ها رویگردان بود. وی چنان مشغول عبادت بود که سر خویش را به سمت آسمان بلند نمی‌کرد. امام صادق (علیه السلام) برای زدودن رفتارهای شبهه‌آمیز او برای ادیان دیگر، وی را به خواندن آیه «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَائِتِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۷) توصیه کرد (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۶۸). به گزارش حسن بن جهم، امام ششم (علیه السلام) راهبرد بنیادین اعتبارسنجی احادیث حیرت‌آفرین را عرضه آن‌ها به کتاب خدا و سخنان معصومین معرفی کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۵۷).

۳-۱-۱. بیان مصادیق (جری و تطبیق)

شناساندن نمونه‌های بیرونی و تطبیق آن با مؤلفه‌های شناختی یک گزاره، در زدودن

شبهات برآمده از آن گزاره بسیار سودبخش است. در اصطلاح قرآن‌پژوهی، جری عبارت است از تطبیق مفاهیم حاصل آمده از آیات بر مصادیق خارجی (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۴: ۴۹۵). دورکن بنیادین این فرایند عبارت است از: افزاز مفهوم موجود در آیه از جزئیات مورد نزول و نیز تشابه معنادار میان مصداق خارجی جدید با مورد نزول. امام صادق (علیه السلام) برای آشکارسازی برخی مفاهیم و موضوعات قرآنی، نمونه‌های کامل آن‌ها را معرفی می‌کردند تا سبب زدودن شبهات موضوعی شوند. برای نمونه، در پاسخ به سردرگمی در تشخیص امام برحق، به آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ» (فاطر، ۳۲) استناد کرده و مصداق «اصطفینا» را تنها گروهی از اولاد فاطمه (علیها السلام) دانسته‌اند که از روی گمراهی و نادانی مردم را به سوی خویش فراخوانند. همچنین، کسانی را که سبب گمراهی مردم شوند «ظالمٌ لِنَفْسِهِ» خوانده و مصداق اتم «مُقْتَصِدٌ» را کسانی دانسته‌اند که حقانیت امام را شناخته و بر اساس آن رفتار کنند. در پایان، با معرفی اهل بیت به عنوان مصداق اتم «سابق بالخیرات»، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ظاهری امامان برحق را پیشروی در نیکوکاری دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۷۴).

ایشان مصداق «مستضعفین» در آیه ۹۸ سوره نساء را افرادی می‌دانند که به سبب گرفتاری در شبهات فکری و عملی نه توان گریز از کفر را دارند، نه یارای پناه بردن به سپهر ایمان و هدایت الهی را (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۴: ۹۸). بنا بر گزارشی، ابوحنیفه پس از هم‌نشینی با امام صادق (علیه السلام) این شبهه را مطرح کرد که ایشان به سبب دعا کردن برای رسول خدا ﷺ برای پروردگار شریک در نظر گرفته است. امام نیز به آیه دریافت نعمات به واسطه فضل الهی و وجود رسول خدا ﷺ استناد و وجه قرآنی، دعای خود برای رسول خدا ﷺ پس از غذا خوردن را با بهره‌گیری از قرآن، تبیین می‌کنند. همچنین شبهه‌گران را مصداق افرادی می‌دانند که در آیات «أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴) و «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین، ۱۴) از آن‌ها یاد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۲۱۶). و با بیان این مصداق، ابوحنیفه را متوجه گرایش او به ایجاد شبهات کرد.

امام ششم علیه السلام برای رفع تحیر افراد در دعوی حقوقی ارجاع شده به قاضیان منصوب از طرف دستگاه خلافت، ایشان را مصداقی از طاغوت در آیه «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَيَّ الْطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» (نساء، ۶۰) دانسته، راه حل آن مشکل را رجوع به شیعیان آگاه از احادیث و احکام اهل بیت علیهم السلام تبیین فرمودند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۲۸).

۳-۱-۲. تبیین واژگان قرآن

تبیین و تشریح هر گزاره‌ای در گرو آشکار شدن شالوده‌ها و بخش‌های آن، شناخت استوار موضوع و محمول و از همه مهم‌تر واژگان آن است. در نگاه برخی دانشوران مسلمان، واژگان هر گفتار مانند آجرهای یک ساختمان در شکل‌گیری و استواری آن مؤثرند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵). یکی از عوامل برقراری ارتباط اثربخش میان شبهه-گر و مجیب، تبیین و فهم دقیق واژگان موضوع محل بحث در حوزه لغت و اصطلاح است. استفاده از واژگان مبهم، چندپهللو و غیرمتعیّن در مفهومی خاص، یکی از روش‌های مغالطه‌گری است. این روش، کلام را بدون توان راستی‌آزمایی در پرده‌ای از ابهام قرار می‌دهد. شبهه‌گری از طریق مفردات قرآنی با شناساندن ریشه، هیئت و کاربست واژگان قرآنی خنثی می‌شود؛ چراکه آگاهی از دانش فقه‌اللغه، از بنیادی‌ترین بایسته‌های فهم صحیح قرآن است.

امام صادق علیه السلام با کاربست این روش، نه تنها آموزه‌های شیعی در سپهر آن واژه را تبیین می‌کردند بلکه به شکلی هم‌زمان، نادرستی تلقی شبهه‌گر از موضوع و واژگان را می‌پالودند. برای نمونه، در پاسخ شبهه دلالت آیات قرآن بر رؤیت پروردگار، واژه بصر را در آیاتی چون «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» (انعام، ۱۰۳) به معنای گستردگی ادراک دانسته و معنای ظاهری آن یعنی بینایی با چشم را در این آیه منکر شدند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۶۱).

امام ششم علیه السلام در تبیین آیه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء، ۲۹)، احسار را به معنای نادارای دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷: ۳۴۷). همچنین واژه ابلعی در آیه «يَا أَرْضُ ائْبَلْعِي مَاءَكِ» (هود، ۴۴) را واژه‌ای راه‌یافته از زبان هندی به فرهنگ عربی دانسته و معنای آن را «اشربی» دانسته (عیاشی، ۱۳۸۰ق،

ج ۲: ۱۴۹) و از این راه به شبهه وجود واژگان نافهمیدنی در قرآن پاسخ گفته‌اند. ایشان در پاسخ به شبهه جسمانیت پروردگار که از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵) برآمده بود، واژه «استوی» را به معنای استیلا و چیرگی قدرت الهی بر هستی دانست (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۴۸) و از این طریق، شبهه وارد آمده بر قرآن را زدود.

امام (علیه السلام) برای زدودن شبهه مخالفت عصمت با دروغگویی درباره پیامبرانی مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) که از آیه «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (صافات، ۸۸-۸۹) برآمده بود، به تبیین معنای واژه سقیم پرداختند و فرمودند: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ سَقِيمًا وَمَا كَذَّبَ إِنَّمَا عَنَى سَقِيمًا فِي دِينِهِ مُرْتَادًا»؛ ابراهیم بیمار نبود، دروغ هم نگفت، بلکه مرادش این بود که من در بیان عقایدم نگرانم (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۱۰).

۳-۱-۳. تفسیر متشابهات با استفاده از محکمت

یکی از روش‌های پاسخگویی به شبهات، تشریح حقیقت آموزه‌های قرآنی و تفسیر متناسب با واقع آن هاست. متشابهات قرآنی یکی از عرصه‌های دشوار فهم آموزه‌های دینی بوده و از دیگر سو، پرسامدترین دست‌مایه برای شبهه‌گران است. امام صادق (علیه السلام) آگاهی نداشتن از تأویل متشابهات را مایه گمراهی فرد دانستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۱۲). همچنین در گفتاری به تبیین تفاوت رویکرد مؤمنین در برابر آیات محکم و متشابه پرداختند و فرمودند: «در قرآن محکم و متشابه وجود دارد. به محکمت آن ایمان داریم و به آن عمل کرده و از آن‌ها وام می‌گیریم؛ ولی به متشابهات تنها ایمان داریم و به آن‌ها عمل نمی‌کنیم» (صقار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۰۳).

ایشان در پاسخ به شبهه مادی‌گرایی که باور خود در جسمانیت پروردگار را به آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۹) مستند ساخته بود، به تفسیر صحیح این آیه پرداخته، با بهره‌گیری از عبارت «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (بقره، ۲۵۵) مقام ربوبی را محیط بر همه عالم تبیین کردند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۳۲). همچنین آیات متشابه دال بر رؤیت ظاهری پروردگار را با آیاتی چون «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» (انعام، ۱۰۴) تفسیر کرده و مفهوم رؤیت را در آیات متشابه به معنای آگاهی یافتن دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۴۵).

۳-۱-۴. تبیین اشتراکات لفظی

ناآگاهی از وجود اشتراک لفظی در کلام وحی، زمینه‌ساز شبهه‌گری بر آیات مشتمل بر آن‌ها می‌شود. این روش شبهه‌گری، گونه‌ای از مغالطات لفظی است که بر بهره‌گیری از معنای تحت‌اللفظی استوار است. این مغالطه با عنوان «هَرَسِ مِصْدَاقِي» نیز مشهور است. راه پاسخگویی به این مغالطه، بیان کاربست‌ها و وجوه گوناگون معنایی یک ترکیب لفظی است.

برای نمونه، اسماعیل بن جابر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان برای زدودن شبهه هم‌معنایی واژگان قرآنی، ۱۰ معنای واژه «قضی» را با استناد به آیات قرآنی چنین بیان فرمودند: «فراغت در آیه ۲۰۰ بقره، انجام دادن در آیه ۷۲ طه، فرود آمدن در آیه ۷۷ زخرف، حکم و داوری در آیه ۶۹ زمر، آفرینش در آیه ۱۲ فصلت، به پایان رساندن در آیه ۲۹ قصص، دستور در آیه ۲۳ سوره اسراء، وجوب در آیه ۳۹ سوره مریم و اخبار و اعلام در آیه ۴ سوره اسراء» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۱۸). همچنین برای زدودن شبهه بسط تجربه وحیانی پیامبران، کاربست واژه وحی در قرآن را در ۷ معنای وحی رسالی، الهام، اشاره، امر، القائنات کاذب، تقدیر و خبر دانستند (همان، ۱۶).

۳-۱-۵. بیان شأن نزول

ناآگاهی از قراین پیرامونی سبب نزول آیات و علت‌های نزول یک آیه در پاره‌ای موارد شبهه‌آفرین بوده و تفاسیر ناروایی از آیات در پی دارد. از تبیین استوار شأن نزول نیز می‌توان برای زدودن برخی شبهات بهره برد.

برای نمونه، امام ششم (علیه السلام) برای زدودن شبهه معاد ناباوران که بر زنده نشدن هیچ یک از

مردگان و عدم اخبار ایشان از حیات مجدد، بنا نهاده شده بود، به داستان حضرت ارمیای نبی علیه السلام اشاره کرده و آیه «أَنْتَ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهَ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ» (بقره، ۲۵۹) را مفهوم سخن وی در هنگام دیدن بقایای خرابه‌های بیت المقدس دانست. امام علیه السلام پس از بیان این شأن نزول فرمود: «خدا او را زنده کرد تا چگونگی پیوستن اعضای خود به هم و شکل گرفتن گوشت و رگ در آن‌ها بنگرد» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۴۴).

۳-۱-۶. محسوس سازی مفاهیم قرآنی با بهره از نمونه‌های مادی

بهره از تشبیه و تمثیل، برای نزدیک ساختن شناخت گزاره‌های پیچیده به جهان پدیدار، از روش‌های پاسخگویی به شبهات شمرده می‌شود. تصویرپردازی و محسوس کردن مطالب عقلی و نظری برای مخاطبانی که توان درک گزاره‌های ژرف را ندارند، مفید خواهد بود. تشبیه رستاخیز انسان به زایش هستی در بهار در پاسخ شبهه منکران معاد (فاطر، ۱۹) نمونه‌ای از کاربست این روش در قرآن است. برای نمونه، ابن ابی العوجاء درباره آیه «كُلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (نساء، ۵۶) چنین شبهه می‌کرد که چرا پوست‌های جدیدی که هیچ گناهی ندارند باید عذاب شوند؟ امام علیه السلام با بیان نمونه‌ای، شبهه وی را پاسخ گفت. ایشان تبدیل خاک‌های آجر شکسته را با استفاده از ترکیب آب به آجر جدید نمونه‌ای از حیات پسین موجودات در سرای آخرت دانست (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۸۱).

۳-۱-۷. تفسیر صحیح آیات

تفسیر استوار و صحیح آیات قرآنی و تبیین زوایای گوناگون شناختی آن‌ها در زدودن شبهات بسیار ثمربخش است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام برای زدودن شبهه دروغگو بودن حضرت یوسف علیه السلام که از آیه «أَيُّهَا الْعِيزُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ» (یوسف، ۷۰) برمی‌آمد و در پی انکار شأن عصمت انبیا بود، به تفسیر صحیح این آیه پرداختند و فرمودند: «آنان یوسف را از پدرش دزدیده بودند، مگر در ادامه آیات نمی‌بینید که گفته شده برادران یوسف

گفتند چه چیزی گم کرده‌اید؟ گفتند: پیمان‌پادشاه را گم کرده‌ایم و نگفتند شما آن را دزده‌اید» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۲۱۰). ایشان در پاسخ به شبهه مشابهی درباره حضرت ابراهیم علیه السلام که از آیه «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ» (انبیاء، ۶۲) برآمده بود، به بهره‌گیری ابراهیم علیه السلام از برهان خلف اشاره کرده و سخن نگفتن بت بزرگ را نشانه‌ای بر ناتوانی او از انجام هر امر دیگر دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۵۴).

امام صادق علیه السلام برای پاسخ به شبهه‌گری ابلیس درباره سجده بر آدم علیه السلام، به آیه ۱۲ سوره اعراف استناد کرد و روش استدلال وی را نادرست شمرد؛ چراکه در مقایسه آدم و شیطان بایسته بود که نورانیت خلقت آدم را با نورانیت آتش ارزیابی کند نه خاک را با آتش (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۸۸). امام علیه السلام همچنین از روش تفسیر آیات با بهره‌گیری از آیات دیگر برای زدودن شبهات بهره می‌بردند. برای نمونه، در پاسخ به شبهه‌گری عملی شخصی که از اموال سرقتی به بینوایان صدقه می‌داد و گمان می‌کرد از هر عملی ۹ ثواب می‌برد، به تفسیر آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (انعام، ۱۶۰) با استفاده از آیه «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائد، ۲۷) پرداخته و عمل او را دارای دو عقاب در هر مورد دانست؛ چراکه اعمال نیک تنها با خاستگاه و نیت نیک و استوار، ثواب آفرین خواهد بود (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۳۴).

۳-۱-۸. استفاده از آیات برای استوارسازی گفتار

این روش تنها در مقابل مخاطبان مسلمان یا مخاطبان غیرمسلمان شبهه‌گر به قرآن به کار می‌رفته است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام برای پاسخ به گره ذهنی ابی عبدالله ابرازی پیرامون جواز نماز طواف در حجر، به آیه «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ» (بقره، ۱۲۵) استناد کرده و مقصود آیه را نمازگزاردن در مقام ابراهیم پس از انجام طواف دانسته (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۳۸). از این طریق به فتاوی نادرست برخی مذاهب مانند جواز نماز طواف در عرفه و مزدلفه، محل رمی جمرات و همه محدودۀ حرم پاسخ گفتند (جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۹۲).

به گواهی تاریخ، روزی ابوحنیفه با امام هم‌سفره شد. امام علیه السلام پس از پایان غذا خوردن فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ». ابوحنیفه در این دعای امام شبهه کرده، ایشان را متهم به شریک گرفتن برای خدا کرد. امام علیه السلام برای پاسخ به وی به دو آیه «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» (توبه، ۷۵) و «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ» (توبه، ۵۹) استناد کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴: ۳۵۱). از این راه انتساب فضل و نعمت به پروردگار و رسول را آموزه‌ای قرآنی دانست و ابوحنیفه را به اعتراف درباره ناآگاهی از وجود این دو آیه در قرآن ناگزیر ساخت.

۲-۳. بهره‌گیری از سخنان معصومان علیهم السلام

استوار ساختن استدلال و برهان بر گفتار معصومین یکی از سنجه‌های حقیقت‌بنیانی کلام است. بهره‌گیری از این روش، برای پرسشگرانی باورمند به آیین اسلام بسیار اثرگذار است.

۱-۲-۳. استناد به گفتار نبوی

از آنجا که در امور دینی، پیامبر اسلام مرجع بنیادی شمرده می‌شود، آگاهی از گفتار، رفتار و تأییدات ایشان بر امری، راهنمای کشف آموزه‌های دین خواهد بود. دانشوران نیز یکی از سنجه‌های استواری کلام را مطابقت آن با سنت قطعی دانسته و مخالفت با آن را نشانگر نادرستی حدیث برشمرداند (طوسی، ج ۱: ۱۴۵). امامان نیز برای ایجاد مقبولیت، سخن خویش را به سنت نبوی مستند می‌کردند. امام صادق علیه السلام نیز راه حل رفع تعارض اقوال دانشوران امامی را تطابق سخن طرفین بر وحی الهی و سنت نبوی دانسته و راه حل موارد فقهی را که مایه فرو افتادن در شبهات بدون آگاهی کافی است، توقف و احتیاط بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۰). ایشان در پاسخ به شبهه چرایی نیاز به اهل بیت با وجود خاتمیت نبوت، به فرمایش نبوی با عبارت «جُعِلَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانًا لِأُمَّتِي

فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي جَاءَ أُمَّتِي مَا كَانُوا يُوعَدُونَ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۰۵) استدلال کردند.

همچنین پاسخ شبهه حکمی و مصداقی زراره درباره جنس لباس نمازگزار از پوست حیواناتی مانند سنجاب، سمور و روباه را به فرمایش نبوی «أَنَّ الصَّلَاةَ فِي وَبَرٍ كُلِّ شَيْءٍ حَرَامٌ أَكْلُهُ فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَشَعْرِهِ وَجِلْدِهِ وَبَوْلِهِ وَرَوْثِهِ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ لَا تُقْبَلُ تِلْكَ الصَّلَاةُ» مستند کرده (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۲۰۹). از این طریق، قاعده‌ای کلی هنگام چالش با شبهات مصداقی درباره طهارت اشیای مناسب برای لباس نمازگزار بیان فرمودند. ایشان با نقد روش تحلیلی ابوحنیفه در کشف احکام که مبتنی بر قیاس بوده به فرمایش نبوی با عبارت «مَنْ قَاسَ شَيْئًا مِنَ الدِّينِ بِرَأْيِهِ قَرَنَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۶۰) استناد کرده، شیطان را اولین شخصی دانست که به واسطه قیاس به گمراهی کشیده شد.

امام صادق (علیه السلام) شبهه‌گری عملی پزشکی هندی درباره برتری طب هندی بر طب اسلامی را با فرمایش «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْمَعِدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ وَالْحَمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ وَأَعْوَدُ الْبَدَنَ مَا اغْتَادَ؛ بَدَانٌ كَمَا مَعِدَةٌ هَرْدٌ دَرْدٌ اسْتِ وَمِرَاقِبَتٌ وَپَرهیز همان دواست و با بدن همان گونه که عادت کرده رفتار می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۱۲) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفع کرد. قدرت این پاسخ در نظر پزشک هندی تا بدان جا بود که وی این جمله را حاوی تمام دانش پزشکی ارزیابی کرده و امام ششم را آگاه‌ترین مردم زمانه دانسته و آیین اسلام را برگزید (همان).

به گزارش سعید بن ابی الخضیب ابن ابی لیلی که از منصوبان دستگاه خلافت بود، مستندات قضایی خود را برآمده از احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، ابوبکر و عمر می‌دانست. امام صادق (علیه السلام) با استناد به روایت نبوی «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقْضَاكُمْ» بهره‌نبردن از قضاوت‌های علوی را ناروا دانسته و روش نادرست مخاطبش را در امر داوری آشکار کرد (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۲۱). ایشان برای زدودن شبهه‌گری ناآگاهان به چگونگی غضب پروردگار بر اثر خشم فاطمه (علیها السلام) به روایت نبوی «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَيَرْضَى لِرِضَاةِ» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۲۱) استناد کرده، عدم استبعاد این امر را به خوبی اثبات کردند. همچنین در تذکری به ابن ابی لیلی، کاربست قیاس را در احکام فقهی مردود و آن را موجب ایجاد شبهات بی پاسخ می‌دانند. سخن امام (علیه السلام) در احتجاج بر بطلان قیاس بر فرمایش نبوی «مَنْ قَاسَ شَيْئًا مِنَ الدِّينِ بِرَأْيِهِ قَرَنَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْلِيسَ فِي النَّارِ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ قَاسَ حِينَ قَالَتْ خَلَقْتَنِي مِنَ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۹) استوار بوده است.

۳-۲-۲. استناد به سخنان امامان قبلی

بنا بر گزارش‌های فراوان تاریخی و روایی، معصومان در بنیان‌های فکری و رفتاری رویه همگونی داشته و تنها گاهی به اقتضای تغییر شرایط جامعه و دگرگونی موضوعات، روش‌ها و کنش‌هایی متناسب با آن‌ها را سامان می‌دادند. چنان‌که فقه جعفری، تلاشی برای تبیین آموزه‌های قرآن و سنت نبوی شمرده می‌شود. امام صادق (علیه السلام) نیز به آشکاری، سخنان خود را برگرفته از اجداد بزرگوارش تا رسول خدا ﷺ دانسته‌اند. از این رو، در تبیین آموزه‌های شیعی و پاسخ به گره‌های فکری افراد بارها به سنت امامان پیشین استناد کرده است. ایشان در پاسخ شبهه چرایی غسل پیامبر اسلام ﷺ به دست علی (علیه السلام) با وجود حکم قرآن به مطهر بودن آن‌ها در آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) فرمودند: «وَلَكِنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فَعَلَ وَ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۸).

یکی از دوستداران امام (علیه السلام) به نام عبدالله نجاشی از طرف بنی العباس به حکومت اهواز گمارده شده بود. وی در چگونگی رفتار با شیعیان آن سامان و نیز دریافت زکات از ایشان و پرداخت آن به بنی العباس دچار شبهه شده بود. امام صادق (علیه السلام) برای پاسخ به شبهه او، به سودمندی اصل مشورت در امور بر اساس فرمایش «مَنْ اسْتَشَارَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ يَمْخُضْهُ النَّصِيحَةَ سَلَبَهُ اللَّهُ لُبَّهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۲۰۸) از پیامبر اسلام ﷺ استناد کرده و رفع عملی شبهه او را در گرو حفظ جان، مال و آبروی شیعیان، آسان‌گیری بر آن‌ها و مدارا با رؤسای بالادستی، دوری از سخن گفتن آشکارا با شیعیان به شکل حسدبرانگیز برای مخالفان دانستند و توصیه‌های پیوسته خویش را بر فرمایش همه امامان پیش از خود

استوار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۲۷۲-۲۷۷).

۳-۲-۳. شرح واژگان حدیث

به گزارش عبدالمؤمن انصاری عده‌ای اجتماع و وحدت امت اسلامی را موجب نزول عذاب می‌دانستند و برای اثبات انگاره خویش روایت نبوی «اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» را دست‌مایه قرار می‌دادند. امام صادق (علیه السلام) برای زدودن این شبهه با استفاده از کاربست‌های قرآنی مفهوم اختلاف، سخن پیامبر را به معنای رفت‌وآمد افراد در شهرهای گوناگون برای کسب علم و بازگشت به سامان خویش برای آموزش آن دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۵۵).

در نمونه‌ای دیگر، حیرت پرسشگر درباره‌ی واژه اصحاب در حدیث نبوی «فَإِنَّمَا مَثَلُ أَصْحَابِي فِيكُمْ كَمَثَلِ الثُّجُومِ فَبِأَيِّهَا أُخِذَ اهْتِدَى وَبِأَيِّ أَقَاوِيلِ أَصْحَابِي أَخَذْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ وَ اِخْتِلَافُ أَصْحَابِي لَكُمْ رَحْمَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ مَنْ أَصْحَابُكَ قَالَ أَهْلُ بَيْتِي» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱) را با شرح مقصود پیامبر ﷺ از واژه اصحاب، منحصر در اهل بیت ایشان دانستند.

۳-۴. استناد به سیره نبوی

سیره مصدر نوعی از ماده «سَیَرَ» به معنای روش و منهج و در اصطلاح، کنش‌ها و روش‌هایی است که یک فرد در زندگی خود به شکلی روشمند از آن‌ها بهره می‌گیرد. سیره از آنجا که حکایت از روش مستمر معصومین دارد، حجت‌آفرین است.

برای نمونه، امام صادق (علیه السلام) روش نادرست عمرو بن عبید (معتزلی) در تقسیم مساوی زکات میان گروه‌های مختلف مستحقان با توجه به تعداد و محل سکونت‌شان نادرست دانسته و با فرمودن عبارت «فَخَالَفَتْ رَسُولَ اللَّهِ فِي كُلِّ مَا أَتَى بِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۶۴)، ارزشمندی توجه به سیره نبوی را آشکار ساختند؛ چراکه پیامبر اسلام ﷺ زکات هر منطقه را در میان مستحقان همانجا که به محضر ایشان می‌رسیدند، تقسیم می‌کردند.

۳-۵. استناد به تاریخ

تاریخ در لغت به معنای شناساندن وقت (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴) و در اصطلاح به معنای نقل وقایع گذشته و آشنایی با ویژگی‌های مختلف رویدادها در زمان خاص است که با شناخت و گردآوری اسناد و مدارک سامان می‌یابد (ابن خلدون، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱). گزاره‌ها و رویدادهای تاریخی اطمینان‌بخش، می‌توانند معیاری برای ترازیدن عیار درستی گفتار باشند. قرآن نیز تاریخ را یکی از منبع شناختی به رسمیت شناخته است. در روند پاسخگویی به شبهات، استنادات استوار تاریخی می‌توانند در زدودن شبهه نقش‌آفرین باشند.

امام صادق (علیه السلام) برای پاسخ به انگاره‌ای که وجود بیماری و ناآگاهی از راه درمان آن را یگانه علت مرگ می‌دانست، به گزاره‌های متیقن تاریخی مانند مرگ پزشکان متخصصی چون ارسطو و جالینوس استناد کرده و با فرمودن عبارت «كَمْ مَرِيضًا قَدْ زَادَهُ الْمُعَالِجُ سُفْمًا وَ كَمْ مِنْ طَبِيبٍ غَالِمٍ وَ بَصِيرٍ بِالْأَدْوَاءِ وَ الْأَدْوِيَةِ مَاهِرٍ مَاتَ وَ عَاشَ الْجَاهِلُ بِالطَّبِّ بَعْدَهُ زَمَانًا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۴۲) سنت تاریخی و طبیعی حاکم بر هستی را زوال همه موجودات دانسته و از این راه انگاره پیش‌گفته را ابطال کردند.

ایشان برای زدودن رفتار شبهه‌آمیز سُکین نخعی که رهبانیت پیش گرفته و با ترک زنان و غذا در پی رسیدن به زهد بود، به گزارش‌های تاریخی از سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در ازدواج کردن و خوردن گوشت و غسل استناد کرد (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۹۳). این گونه پاسخگویی به سبب قرار داشتن دانش سیره در شمار گونه‌های گزارش‌های تاریخی، سبب زدودن شبهه می‌شود.

یکی از شبهات مطرح شده در عصر امام صادق (علیه السلام) حقایق آیین زردشت به سبب اشتغال کتاب‌هایشان بر دستوره‌های دینی و نیز اعتقاد آن‌ها به ثواب و عقاب اعمال بود. نیک روشن است که این انگاره بر مغالطه ترکیب مفصل استوار است. در این گونه از مغالطه، دو گزاره در پیوند با هم، گزاره‌ای مرکب را می‌سازند که نادرست است، در حالی که هر یک از این گزاره‌ها، به‌نحو مستقل صادق هستند (خندان، ۱۳۸۶: ۵۷).

امام علیه السلام برای زدودن این انگاره به حقیقتی تاریخی اشاره دارند. بر اساس گزارش‌های تاریخی، همه امت‌ها از هدایت پیام‌آوران الهی برخوردار بودند، ولی قومی که زردشت به سمت آن‌ها رفت وی را از شهر بیرون کرده، از سنت دیگر پیامبران نیز پیروی نمی‌کردند. شاهد مخالفت آن‌ها با پیامبران، کشته شدن ۳۰۰ نفر از انبیا به دست کیخسرو بود. افزون بر این، نداشتن سنت‌هایی چون غسل جنابت و ختنه، نشانه فاصله آن‌ها از آیین‌های توحیدی است؛ چراکه پاک‌ترین قوانین حنفیه این دو امر بود که از زمان ابراهیم علیه السلام در همه ادیان وجود داشت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۷۷).

به گزارش عبدالکریم بن عتبه هاشمی، پس از کشته شدن ولید بن عتبه خلیفه بنی مروان، عده‌ای از معتزلیان به شبهه‌گری عملی در امر امامت پرداخته و به بهانه پیروی از روش خلفای ثلاثه در برپایی شورا برای انتخاب خلیفه، شخص مناسب برای خلافت را محمد بن عبدالله بن حسن دانستند. امام صادق علیه السلام برای آشکار شدن نادرستی روش ایشان، این عمل را تحمیل رأی به افراد دانسته و آن را با فرازی از تاریخ صدر اسلام تنظیم کردند. ایشان انتخاب ابوبکر و عمر را به سبب نداشتن ویژگی انتخاب جمعی در شورا مردود دانسته و شورای انتخاب خلیفه سوم را نیز زیر فشار توصیه عمر به قتل مخالفان جهت‌دار ارزیابی کردند؛ چراکه بنا بر گزارش تاریخ عمر بن خطاب وصیت کرد اگر افراد شورا پس از سه روز، شخص عثمان را انتخاب نکردند باید کشته شوند و اگر تعدادی موافق و برخی مخالف انتخاب عثمان بودند، مخالفان باید به قتل برسند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۶۳). امام ششم علیه السلام پس از نقل این گزارش تاریخی، پیروی کردن از این روش را ناروا دانسته و از این طریق با تبیین نادرستی روش معتزلیان در انتخاب پیشوای امت، به شبهه‌گری عملی آنان پاسخ گفتند.

۳-۶. تبیین مفهومی آموزه‌های دینی

مواردی چون فهم ناستوار مفاهیم دینی، آمیختن کاربست‌های لغوی با مفاهیم اصطلاحی، ترکیب نادرست گزاره‌ها در حوزه منطق گزاره‌ای و استنتاج‌های نادرست در

منطق حملی سبب ایجاد شبهات می‌شود. در شبهات متکی به منقولات، شبهه‌گران با بهره‌گیری از گونه‌های مختلف مغالطات لفظی مانند تفصیل مرکب، کار بست سلیقه‌ای اشتراک لفظی و تحریف مفاهیم لغوی و اصطلاحی، ناآگاهان از حقیقت این مفاهیم را فریب می‌دهند. در این‌گونه موارد، تبیین و شناساندن آموزه‌های دینی با روشنگری و توضیح آن‌ها از طریق توضیح مفهوم واژگان هر آموزه در زدودن شبهه نقش بنیادین خواهد داشت.

برای نمونه، امام (علیه السلام) در پاسخ به شبهه چرایی چیرگی شیطان بر آدمی که با عبارت «فَلِمَ سَلَطَ عَدُوُّهُ عَلَىٰ عِبِيدِهِ وَ جَعَلَ لَهُ السَّبِيلَ إِلَىٰ إِغْوَائِهِمْ؟» از سوی یکی از خدا ناباوران بیان شده بود، مفهوم صحیح تسلط شیطان را تنها اغواگری او دانسته، فرمودند: «مَا لَهُ مِنَ السَّلْطَنَةِ عَلَىٰ وُلْدِهِ إِلَّا الْوَسْوَسَةَ وَ الدُّعَاءَ إِلَىٰ غَيْرِ السَّبِيلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰: ۱۶۸).

یکی از خدا ناباوران با ایجاد شبهه‌ای دوسویه سعی در انکار پروردگار داشت تا توجیهی برای کافر شدن فراهم کرده باشد. وی بر این باور بود که اگر کافر شدن افراد، خارج از قدرت خدا باشد پس خدا ناتوان است و خدای ناتوان شایسته پرستش نیست و اگر کافر شدن آدمیان به نیروی الهی باشد، عقاب آن‌ها ناروا خواهد بود. امام (علیه السلام) با درک منطقی از عبارت وی که به شکل «فَمَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ كَافِرًا أَيْسَرُطِيعُ الْإِيمَانِ وَ لَهُ عَلَيْهِ بَتْرَكَهُ الْإِيمَانُ حَجَّةٌ» بیان شده بود، ریشه این شبهه را نشناختن استوار مفهوم کفر تشخیص داده، فرمودند: «الْكُفْرُ اسْمٌ يَلْحَقُ الْفِعْلَ حِينَ يَفْعَلُهُ الْعَبْدُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۳۱).

بر این اساس، هیچ انسانی در هنگامه آفرینش، کافر یا مؤمن نخواهد بود بلکه پس از اتمام حجت الهی بر او، پذیرش یا انکار آن سبب ایمان یا کفر او می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

امام صادق (علیه السلام) در بسیاری موارد برای پاسخگویی به شبهات از گزاره‌های استوار بر نقل بهره می‌بردند. معتبر بودن این گزاره‌ها نزد طرفین مناظره و گفت‌وگو مهم‌ترین شاخص اثربخش بودن آن‌ها در فرآیند پاسخگویی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین مؤلفه‌های نقل محور پاسخگویی به شبهات در سیره جعفری عبارت است از: قرآن، سخنان معصومان پیشین، سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، تاریخ معتبر و تبیین مفهومی آموزه‌های دینی. نقش آفرینی مهم‌ترین گونه یعنی قرآن، بر بهره‌گیری از انواع دلالت‌های زبانی، تفسیری و تأویلی آیات کلام وحی استوار است. نمونه‌ای از پاسخ‌های مبتنی بر آیات قرآنی بر این موارد استوار است: بیان مصادیق، تبیین واژگان، تفسیر متشابهات، تبیین وجوه و نظایر، بیان شأن نزول، محسوس‌سازی مفاهیم معقول، تفسیر صحیح و نیز بهره‌گیری از آیات برای استوارسازی کلام. امام ششم با توجه به جنبه‌های مختلف روحی، سیاسی و مذهبی مخاطب و خاستگاه‌های ایجاد شبهه و درک منطقی گزاره‌های حاوی شبهه، به تناسب هر مورد از گونه‌های مختلف منابع منقول شناختی در ساز و کاری استدلالی بهره می‌بردند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
- (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (۱۳۹۰). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. چاپ سیزدهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الأعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الاثمه. قم: دارالحديث.
- بحرانی، سیده‌هاشم. (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثه.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. چاپ دوم. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- برنجکار، رضا. (۱۳۹۸). روش‌شناسی علم کلام. چاپ دوم. تهران: سمت.
- جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (جصاص). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۴). فرهنگ نامه علوم قرآنی. قم: بوستان کتاب.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). الفصول المهمه فی أصول الأئمه. قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام).
- (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل البيت.
- خندان، علی اصغر. (۱۳۸۶). مغالطات. قم: بوستان کتاب.
- دوران، ویل. (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ج ۴. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الالفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- زمزمی، یحیی. (۱۴۱۴ق). الحواریادابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه. مکه: دارالتربیه و التراث.
- شعبانپور، محمد. (۱۳۹۰). «دفاع از امام صادق (علیه السلام) در برابر شبهات زنادقه». سراج منیر. شماره ۲. صص: ۱۴۷-۱۷۶.
- شهابی، علی اکبر. (۱۳۴۷). «روش مناظره و احتجاجات امامان شیعه». نامه آستان قدس. شماره ۳۷. صص: ۵-۲۴.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام). چاپ دوم. قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). العده فی اصول الفقه. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- (۱۴۱۴ق). الأمالی (للطوسی). قم: دارالثقافه.
- (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

(البرز محقق گرفمی، سیده صدیقه اسلامی زیدانلو)

- عبدلی، محمد فنخور. (بی تا). *الحوار: آداب و اخلاق و ثقافه الامه*. بی جا. بی نا.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعه العلمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
- کامل، عمر عبدالله. (بی تا). *آداب الحوار و قواعد الاختلاف*. ریاض: جامعه محمد بن سعود الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). *الکافی*. قم: دارالحدیث.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳). *رجال الکشی*. قم: موسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق گرفمی، البرز و همکاران. (۱۳۹۹). «روش شناسی پاسخگویی به شبهات با بهره از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (علیه السلام)». *کلام اسلامی*. شماره ۱۱۴. صص: ۸۷-۱۱۴.
- هاشمی اردکانی، سیدحسن؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم (علیهم السلام)». *مطالعه موردی مناظرات علمی امام رضا (علیه السلام)*. تربیت اسلامی. شماره ۷. صص: ۷-۲۲.
- هوشنگی، حسین؛ شکرایی، یاسین. (۱۳۹۱). «اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (علیه السلام)». در مجموعه مقالات مبانئ و روش اندیشه علمی امام صادق (علیه السلام) به سرپرستی احمد پاکتچی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام). صص: ۲۸۷-۳۰۵.